

# بررسی پدیده کودک آزاری از منظر جرم‌شناسی و حقوقی

محمدعلی جامد

عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل



## طرح مسأله

می باشد، غفلت جهانی از توجه به حقوق کودکان است. حقوق کودکان از جمله مسائلی است که تا چندین سال قبل، چه در ایران و چه در سایر کشورها و نیز در عرصه بین الملل، پندان مورد توجه نبوده است. شاهد این ادعا، کنوانسیون حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ از سوی سازمان ملل به تصویب رسید؛ در حالی که تقریباً ۴۰ سال قبل از آن یعنی در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل به تصویب رسید. البته قبل از تصویب کنوانسیون جهانی حقوق کودک، چند اعلامیه در این رابطه به تصویب کشورهای رسیده بود؛ من جمله اعلامیه حقوق کودک ژنو (۱۹۲۴) و اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۵۹) اما در هیچ کدام از این اعلامیه ها فراخور وضعیت کودکان و متناسب با کنوانسیون جهانی حقوق کودک، به حقوق کودکان صریحاً توجه نشده بود. افتلاف زمانی فامش در توجه صریح و مستقیم به حقوق کودکان و به عبارت بهتر

■ نقض حقوق کودکان و کودک آزاری، سابقه ای طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره ای از تاریخ، تعریف مفهومی آن متفاوت و معمولاً فاقد بار معنایی منفی بوده است؛ برای مثال در تمدن های قدیمی دفتران جوان اغلب به منظور سوء استفاده جنسی به معابد بابل هدیه می شدند و یا در رم کشتن فرزند مق قانونی والدین بود؛ فروش دفتران در چین قدیم رایج بود؛ اعراب دفتران خویش را زنده بگور می کردند و زمانی هم به ویژه در عصر صفوی و نیز در دوره های بعدی تاریخ ایران، شاهد روسپی خانه های ویژه برای پسران فردسال و جوان هستیم. حتی در قرون معاصر نیز شاهد چنین برخوردهایی با موضوع کودکان و البته در قالب هایی به مراتب فطرتناک تر، نظیر قاپاق کودکان برای امور جنسی، قاپاق اعضای بدن کودکان و... می باشیم. اما آن چه که در این پرفه زمانی از قدیم تا به حال قابل توجه و تأمل



غفلت جهانی از حقوق کودکان، دلایل متعدد و قابل توجهی دارد که می‌بایست ریشه و مبنای این دلایل را در آداب و سنن ملی کشورها، فرهنگ، مذهب و... جستجو کرد.

بشر در طی تاریخ زیست جمعی فویش معمولاً به انسان‌های فاقد کمال عقلی و ذهنی هم چون اطفال و مجانین، به چشم افراد ناقص و در کم مال و قابل تملک برای فویش و در نتیجه مبروم از حقوق اجتماعی می‌نگریست؛ در واقع مس تملک نسبت به کودکان و این که کودک به هر روی متعلق به والدین فویش است، از دلایل اصلی بی‌توجهی و کم‌توجهی به حقوق کودکان می‌باشد.

آثار این طرز تفکر را متی در دوران معاصر دنیای غرب نیز می‌توان مشاهده کرد؛ به طوری که برمی‌آورد از اندیش‌مندان برجسته غربی، معیار بهره‌مندی از حقوق بشر را شرط دارا بودن تعقل می‌دانستند و بر همین مبنا کودکان را از جمله افراد مبروم از حقوق بشر مسموب می‌دانستند و اعتقاد بر این داشتند که فقط انسان‌هایی از حقوق بشر بهره‌مند می‌شوند که صاحب قدرت تعقل باشند.

چنین طرز تفکری در خصوص حقوق کودکان و معضلات متعدد پیش آمده در رابطه با نقض حقوق اولیه کودکان باعث شد که سازمان ملل در سال ۱۹۸۹، کنوانسیون جهانی حقوق کودک را به تصویب رساند.<sup>(۴)</sup> امروزه اکثریت کشورهای دنیا به عضویت این کنوانسیون در آمده و متعهد به تصویب قوانین داخلی لازم در جهت اجرای بهتر و مناسب قواعد این کنوانسیون در سطح ملی شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در

سال ۱۳۷۲ و با اعمال حق شرط (در چارچوب مقررات شرع و به شرط عدم تضایر مفاد پیمان با شرع اسلام) به این کنوانسیون پیوسته است.<sup>(۵)</sup>

با این که در دین اسلام، کودک جایگاه ویژه‌ای دارد و این مکتب دستورات بسیار مهم و مساسی را در زمینه نحوه برخورد با کودک و رعایت همه جانبه حقوق وی به والدین ارائه می‌دهد که هدف تمامی آن‌ها توجه خاص به کودک و تأکید بر اهمیت دوران کودکی می‌باشد و متی بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث منقول از اولیای دینی<sup>(۶)</sup>، تأکید فراوان به کامل شدن حقوق کودکان داشته و والدین را ملزم به رعایت حقوق آن‌ها نموده و آن‌را از مزه لاینفک تکالیف دینی و مذهبی آنان می‌داند؛ اما علیرغم این مبنای دینی روشن و قابل تمسکین، عضویت مشروط ایران در کنوانسیون جهانی حقوق کودک و در کنار آن، ناپدید بودن آگاهی عمومی جامعه نسبت به پدیده کودک آزاری، فقدان مرز مشخص و تعریف شده برای کودک آزاری و تنبیه تربیتی و تمویز تنبیه در برمی‌آورد از قوانین<sup>(۷)</sup> موهوم و برداشت نامناسب از این تمویز، نتوانست معضلاتی را که در زمینه حقوق کودک بویژه کودک آزاری، وجود داشت، مرتفع سازد.

با این که پیش از یک دهه از پیوستن ایران به کنوانسیون جهانی حقوق کودک می‌گذرد، اما متأسفانه هر روز شاهد افزایش مشکلاتی چون کار اجباری کودکان، کودک آزاری، سوء استفاده‌های جنسی، قاچاق اعضای کودکان و... هستیم.<sup>(۸)</sup> ■

## مبحث اول:

### انواع کودک آزاری، علل و نتایج آن

کودک آزاری عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعلی که موجب آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند می‌شود. بر اساس معیارهایی که سازمان جهانی بهداشت از کودک آزاری ارائه نموده است، می‌توان اقسام کودک آزاری را به شرح ذیل تقسیم بندی نمود.

### الف) انواع کودک آزاری

#### ۱- کودک آزاری جسمی

مواردی چون کتک زدن یا دست، ضربه زدن، داغ کردن، سوزاندن یا قاشق داغ، شکستن استخوان، زخمی کردن، ایجاد صدمات داخلی من جمله خونریزی درونی، کشیدن گوش و موی

سر، سیلی زدن، نیشگون گرفتن، پرتاب کردن، فشردن، تکان دادن، شلاق زدن، استفاده از آتش سیگار، گاز گرفتن، گذاشتن فلفل در دهان کودک، کوبیدن سر به دیوار، ایجاد سیاهی و کبودی در بدن کودک و هر شیوه دیگر از ایجاد آسیب جسمانی، از مصادیق بارز کودک آزاری جسمی می‌باشد.

#### ۲- کودک آزاری روانی و عاطفی

مواردی چون تحقیر کردن، مسخره کردن، سرزنش، طرد نمودن، محرومیت عاطفی، برخورد خشونت آمیز، آزارهای کلامی، کنترل شدید و نامعقول، دست انداختن، ترساندن، انتظارات نامناسب، اعمال خشونت علیه همسر در برابر چشمان کودک، ناسزا گفتن و کلیه اقداماتی که کار کردهای روانشناختی رفتار و رشد کودک را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، از

مصادیق کودک آزاری روانی و عاطفی به حساب می‌آید.

#### ۳- کودک آزاری جنسی

تماس جنسی با کودک و یا هر گونه تعامل جنسی بین کودک و بزرگسال را کودک آزاری جنسی می‌گویند. تعامل ممکن است دامنه وسیعی از رابطه جنسی تا نمایش آلت تناسلی فرد بزرگسال به کودک، اجبار کودک به نشان دادن آلت تناسلی خود به فرد بزرگسال، وادار ساختن کودک به روسپیگری، استفاده از کودک در حوزه هرزه نگاری اینترنتی (پورنوگرافی) و... را شامل بشود.

#### ۴- کودک آزاری آموزشی

آسیب‌ها و آزارهایی که از طریق نظام آموزشی و عموماً توسط معلمان، شیوه‌های تدریس، محتوای کتاب‌ها و... در دانش آموز ایجاد



■ با این که بیش از یک دهه از پیوستن ایران به کنوانسیون جهانی حقوق کودک می‌گذرد، اما متأسفانه هر روز شاهد افزایش مشکلاتی چون کار اجباری کودکان، کودک آزاری، سوء استفاده‌های جنسی، قاچاق اعضای کودکان و... هستیم. ■

یا فقدان یکی از اعضای خانواده، فقدان حمایت‌های اجتماعی و نظارتی، وجود حس تملک نسبت به کودک، پذیرش تنبیه بدنی به عنوان فرهنگ از سوی جامعه، وجود قوانینی مبنی بر مجاز بودن تنبیه، مهاجرت و... در این بند جای دارند.

### ح) نتایج کودک آزاری

آثار و نتایج کودک آزاری از دو حیث آثار کوتاه مدت و آثار بلند مدت قابل بحث است؛ به این معنا که برخی از این آثار منحصرأدر مورد کودک اتفاق می‌افتد و صرفاً مشکلاتی را برای خود او ایجاد می‌کند، اما آثار بلند مدت نشانه‌ها و بقایای کودک آزاری در زندگی آینده فرد است که متوجه اجتماع و افراد دیگر در آتیه می‌شود.

بر این اساس عوارض جسمی و عاطفی همچون ترس‌های شدید، بی‌خوابی، اضطراب، افسردگی، هیجان زائد، احساس گناه، احساس ناامنی، احساس زائد و غیر مفید بودن، انزوا طلبی، پرخاشگری، کاهش اعتماد به نفس، بی‌اشتهایی یا پراشت‌هایی افراطی، جلوه‌های ترس مرضی از مردان، رفتارهای مخالف آمیز، فرار از خانه، خودکشی، انتقام جویی، اختلالات بینایی و شنوایی، فوت، اشکالات کلامی، آسیب مغزی، ناتوانی در یادگیری، عقب ماندگی ذهنی، عقب ماندگی رشد اجتماعی و تربیتی، بروز شخصیت نابهنجار و ضدا اجتماعی، بزهکاری و... از آثار زودرس این معضل در کودکان به شمار می‌رود.

پرواضح است کودکانی با چنین وضعیت جسمی و روانی در آینده نخواهند توانست افراد مفید برای خود، خانواده و جامعه خویش باشند که این امر مشکلات متعددی را برای خود جامعه از حیث نداشتن نسل سالم و پویا، بزهکاری، افزایش آمار جرم و جنایت، خانواده‌های مورد دار و... به عنوان پیامدهای دیررس این معضل خواهد داشت.



بعدی بودن این پدیده، به این معنا که کودک، کودک آزار و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ابعاد آن را تشکیل می‌دهند در سه دسته به شرح ذیل تقسیم بندی نمود:

### ۱- دلایل موجود در فرد آزار دهنده:

اختلالات روانی، عقده‌های روانی، سابقه تنبیه و آزار در دوران کودکی، اضطراب، افسردگی، عصبانیت زائد، وسواس، شخصیت ضدا اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر یا الکل، نداشتن مهارت فرزند پروری در والدین و یا سرپرستان قانونی کودک، سواد والدین، والدین جوان، پیشینه کیفری و سوابق مجرمانه، عدم آشنایی والدین و افراد خانواده نسبت به حقوق کودک به علت اطلاع رسانی غیر شفاف و محدود در مورد کودک و حقوق او از سوی رسانه‌های همگانی به خصوص صدا و سیما و... از عمده دلایل کودک آزاری در فرد آزار دهنده محسوب می‌شود.

### ۲- خصوصیات کودک آزار دیده:

دلایلی چون فرزند اول خانواده بودن، نارس بودن، داشتن معلولیت جسمی و ذهنی، تولد ناخواسته و یا نامشروع، فرزند خواندگی، مشکلات رفتاری، ظاهر فیزیکی بد، لاغر و قیافه زشت و... در این دسته قرار می‌گیرند.

### ۳- دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

اموراتی چون مشکلات شغلی، نوع شغل، بیکاری، فقر، تورم، صنعتی شدن جوامع، خانواده‌های پر جمعیت، زندگی در مناطق حاشیه شهرها، مشکلات رفتاری والدین با یکدیگر، خانواده‌های از هم گسیخته به ویژه طلاق، مرگ

می‌شود، در این حوزه قرار می‌گیرد. البته عموماً آزار آموزشی با آزار جسمی (مثل تنبیه بدنی) یا آزار روانی (مثلاً تحقیر دانش آموز) همراه است، اما در مجموع نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی دانش آموزان، ایجاد رقابت‌های ناسالم و شدید بین آن‌ها، ایجاد فشارهای روانی و... از مصادیق بد رفتاری آموزشی تلقی می‌شود.

### ۵- کودک آزاری اقتصادی

عموماً آزار اقتصادی، در معنای سوء استفاده و بهره‌برداری از کودک در جهت کسب درآمد و عدم تخصیص آن درآمد به خود کودک استعمال می‌گردد. واداشتن کودک به کارهای خارج از خانه، کار اجباری، تکدی‌گری، الزام به انجام کار درآمد زا در محیط خانه و... از مصادیق این نوع بد رفتاری محسوب می‌شود.

### ۶- کودک آزاری ناشی از غفلت

بر خلاف پنج مورد قبل این نوع کودک آزاری به صورت غیر عمدی و در اثر غفلت و مسامحه اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که عدم توجه کافی و لازم والدین نسبت به تأمین نیازهای اولیه جسمی و روانی کودک و در حقیقت رابطه کم و جزئی والدین و سرپرستان با کودک، کودک آزاری ناشی از غفلت نامیده می‌شود. غفلت از تأمین نیازهای اولیه جسمی و روانی کودک همچون تغذیه، پوشاک، نظافت، ابراز عشق و علاقه، عدم تربیت مناسب و... تحت عنوان کودک آزاری ناشی از غفلت قابل بحث است.

### ۷- غفلت در کودک آزاری

عموماً شناسایی دلایل یک معضل از دو حیث یادگیری علمی آن معضل و نیز در به کارگیری روش‌های مناسب در جهت پیشگیری از آن حائز اهمیت است. معضل کودک آزاری نیز از این قاعده مستثنا نیست و به حقیقت، شناسایی دلایل کودک آزاری گامی مهم در جهت موفقیت برنامه پیشگیری از وقوع این پدیده به حساب می‌آید. دلایل کودک آزاری را می‌توان با توجه به چند



■ **معضلات پیش آمده و عدم تکافوی قوانین در جهت جلوگیری از پدیده کودک آزاری، قانون گذار را بر آن داشت تا جهت مقابله با پدیده کودک آزاری، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را در سال ۱۳۸۱ در ماده ۹ به تصویب رسانده و عملاً جرمی به نام کودک آزاری را با ضمانت اجرای حبس و یا جزای نقدی وارد مجموعه قوانین کیفری نماید.** ■



معضلات پیش آمده و عدم تکافوی قوانین در جهت جلوگیری از پدیده کودک آزاری، قانون گذار را بر آن داشت تا جهت مقابله با پدیده کودک آزاری، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را در سال ۱۳۸۱ در ماده ۹ به تصویب رسانده و عملاً جرمی به نام کودک آزاری را با ضمانت اجرای حبس و یا جزای نقدی وارد مجموعه قوانین کیفری نماید. قانون مزبور ضمن شناسایی برخی از اقسام کودک آزاری به عنوان عمل قابل مجازات، در نوع خود پیشرفت بسیار مهمی در عرصه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال به حساب می آید که ذیلاً به نقد و بررسی این قانون پرداخته می شود.

#### مبحث دوم: نقد و بررسی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

همان گونه که عنوان شد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ در ماده ۹ به تصویب رسید و عملاً جرمی به نام کودک آزاری با ضمانت اجرای حبس و یا جزای نقدی وارد مجموعه قوانین کیفری شد. ذیلاً به نقد و بررسی پیرامون این قانون پرداخته می شود:

ماده ۱: " کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده اند از حمایت های قانونی مذکور در این قانون بهره مند می شوند." قانون گذار به تقلید از ماده (۱) کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که معیار شناخت کودک را سن زیر ۱۸ سال قرار داده است، در این ماده نیز دامنه حمایت کیفری را شامل افراد زیر ۱۸ سال قرار داده و مقرر نموده هر فرد از بدو تولد تا رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، مشمول مقررات این قانون می شود.

عدم توجه به معیارهای فقهی و قانونی در تمییز کودک از غیر آن - که از نظر شرعی در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال قمری است - و تعیین سال سنی بر اساس هجری - شمسی به جای هجری - قمری از ابتکارات جدید قانون گذار به حساب می آید.

ماده (۲): " هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب می شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است."

ماده (۲) قانون حمایت علیه غم اعلام ممنوعیت برخی از اقسام کودک آزاری، به دلیل عدم پیش بینی مجازات برای این قسم از کودک آزاری ها، از نظر حقوقی واجد ایراد اساسی و محل تأمل است. اصولاً قانون گذار از آوردن چنین ماده ای چه هدفی داشته؟ در حالی که مجدداً در ماده (۴) عین این عبارات را البته به همراه مجازات آورده است. در کل اگر ماده (۲) در متن این قانون وجود نداشت چندان خللی به ماهیت قانون وارد نمی ساخت. در مجموع این ماده به لحاظ عدم پیش بینی مجازات، از نقطه نظر جزایی، فاقد ارزش استناد برای تعیین مجازات کودک آزاری است.

ماده (۳): " هر گونه خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد." ماده (۴): " هر گونه صدمه و آزار و اذیت و

شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل کودکان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا ۶ ماه و یازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.

با توجه به ماده (۳) و (۴) قانون حمایت، ضمانت اجرای کودک آزاری در این مواد، مورد پیش بینی قرار گرفته و مرتکبین کودک آزاری به مجازات‌های موضوع مواد مزبور محکوم می‌گردند. بر اساس این دو ماده، اقسام کودک آزاری که از نظر قانون گذار جرم بوده و قابل مجازات می‌باشد، عبارتند از:

۱- کودک آزاری اقتصادی ناشی از هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، تکدی‌گری، فروش مواد مخدر، روسپیگری...؛

۲- کودک آزاری جسمی؛

۳- کودک آزاری روحی؛

۴- کودک آزاری ناشی از نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی؛

۵- کودک آزاری ناشی از ممانعت از تحصیل؛

پیش بینی کودک آزاری به اشکال فوق تا حدودی مبتنی بر استانداردهای سازمان بهداشت جهانی می‌باشد، اما تذکر چند نکته و انتقاد در خصوص قانون مذکور، خالی از لطف نخواهد بود:

الف) کودک آزاری جنسی علیرغم شیوع و وخامت آن متأسفانه به صراحت از سوی مقنن مورد پیش بینی قرار نگرفته است<sup>(۴)</sup>. مگر آن که کودک آزاری جنسی با هدف اقتصادی (مثلاً اجبار به روسپیگری) صورت بگیرد که در این صورت از مصادیق ماده (۳) به حساب می‌آید و یا این که کودک آزاری جنسی موجب صدمه جسمی و یا روانی کودک به شود که در این صورت از مصادیق کودک آزاری جسمی و یا روانی موضوع ماده (۴) خواهد بود.

در کل شایسته بود قانون گذار به صراحت و در جهت تطبیق با استانداردهای بین‌المللی، کودک آزاری جنسی را نیز در متن ماده (۳) می‌گنجاند.

ب) استعمال عبارت "شکنجه" در ماده (۴)، با عنایت به معنا و مفهوم حقوقی آن که به آزار و آسیب جسمانی مورد اعمال از سوی مأمورین دولتی نسبت به اشخاص عادی اطلاق می‌گردد، چندان درست نیست. لذا این عبارت را باید در معنای عرفی آن (اذیت و آزار) استفاده نمود نه در معنا و مفهوم حقوقی آن.

ج) کودک آزاری غیر عمدی از سوی قانون گذار مورد شناسایی قرار نگرفته است. بر این اساس اگر سرپرستان و اولیای قانونی کودکان به نحو غیر عمدی و در اثر عدم تأمین نیازهای اولیه کودک (جسمی یا روانی) موجبات صدمه جسمی و روانی او را فراهم آورند؛ از نظر قانون حمایت مرتکب جرم نشده‌اند. بدین ترتیب نادیده گرفتن سلامت و بهداشت روانی و جسمی به شرط عمدی بودن، جرم و قابل مجازات به حساب می‌آید. نتیجتاً عدم شناسایی کودک آزاری غیر عمدی از ناحیه مقنن برخلاف استانداردهای جهانی و سازمان بهداشت جهانی است.

د) کودک آزاری ناشی از ممانعت از تحصیل تنها می‌تواند نمونه‌ای از کودک آزاری آموزشی به حساب آید؛ لذا سایر مصادیق این نوع کودک



■ **کودک آزاری غیر عمدی از سوی قانون گذار مورد شناسایی قرار نگرفته است. بر این اساس اگر سرپرستان و اولیای قانونی کودکان به نحو غیر عمدی و در اثر عدم تأمین نیازهای اولیه کودک (جسمی یا روانی) موجبات صدمه جسمی و روانی او را فراهم آورند؛ از نظر قانون حمایت مرتکب جرم نشده‌اند**

آزاری مشمول این قانون نمی‌باشد. در ضمن منظور قانون گذار از ممانعت از تحصیل تا حدودی مبهم است و معلوم نیست که منظور ممانعت از شروع به تحصیل است یا ادامه آن یا هر دو. به نظر می‌رسد منظور قانون گذار هم ممانعت از شروع به تحصیل و هم ممانعت از ادامه آن باشد.

ه) مجازات مورد پیش بینی در ماده ۴ یعنی سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی - که تنها یکی آن هادر مورد مجرم قابل اعمال است - واجد دو ایراد اساسی می‌باشد:

اولاً، با توجه به این که این مجازات برای هر نوع صدمه و آزار جسمی و روانی پیش بینی شده است، لذا ممکن است بین آزار وارد شده بر کودک و مجازات تعیینی از سوی محاکم تناسبی نباشد؛ به این معنا که ممکن است برای آزار بسیار شدید، دادگاه تنها مجازات ۵ هزار تومان جزای نقدی را در نظر بگیرد. اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دادگاه از هر نظر درست و مطابق قانون است.

ثانیاً، اختیار دادگاه در تعیین جزای نقدی آن هم از یک ریال تا ده میلیون ریال، مغایر با فلسفه تقنینی این قانون و حمایت از کودکان و نوجوانان است. شایسته بود که مقنن، حداقل مجازات نقدی را به مانند مجازات حبس پیش بینی می‌کرد؛ امری که در ماده (۳) به درستی رعایت شده است.

و) مجازات کودک آزاری اقتصادی ناشی از هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، فروش مواد مخدر و... نسبت به سایر مصادیق شدیدتر و سنگین تر است. شاید دلیل اصلی این رویکرد قانونی، ازدیاد این نوع کودک آزاری در جامعه و نتایج سوء آن نسبت به سایر مصادیق کودک آزاری است.

ماده (۵): "کودک آزاری از جرایم عمومی بوده و





■ ماده (۵): "کودک آزاری از جرایم عمومی بوده و امتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد."

چون شکای و زیان دیده این جرم، کودک نابالغ یا نوجوان کم سن و سال و ناتوان و معمولاً تمت سلطه و افتیاری شفص کودک آزار می باشد؛ لذا قانون گذار با پیش بینی این ماده گام بسیار مثبتی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان برداشته است ■



احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.<sup>۴۱</sup> چون شکای و زیان دیده این جرم، کودک نابالغ یا نوجوان کم سن و سال و ناتوان و معمولاً تحت سلطه و اختیار شخص کودک آزار می باشد؛ لذا قانون گذار با پیش بینی این ماده گام بسیار مثبتی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان برداشته است. بر این اساس هر کسی می تواند بلافاصله پس از اطلاع و مشاهده کودک آزاری به عنوان مطلع از وقوع جرم، مراتب را به دادستان عمومی اطلاع دهد که در این صورت دادستان به عنوان مدعی العموم، مکلف به پیگیری قضایی موضوع و درخواست مجازات برای متخلف می باشد.

بدین ترتیب در خصوص این جرم، حتی اگر شکای خصوصی (کودک بالغ یا نوجوان مورد آزار) اعلام رضایت و گذشت نماید، باز تأثیری در ادامه رسیدگی و صدور حکم مجازات نخواهد داشت؛ مگر این که اعلام گذشت از موجبات تخفیف مجازات قلمداد شود.

ماده (۶): "کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را به عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت

پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی تا ۵ میلیون ریال خواهد بود."<sup>۴۲</sup> بر خلاف اشخاص عادی که مکلف به گزارش موارد کودک آزاری نیستند، کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را به عهده دارند (مانند بهزیستی)، مکلفند در صورت رویت کودک آزاری، آن را جهت پیگرد قانونی به مراجع قضایی صالحه اعلام نمایند. خودداری از این امر، موجب مجازات حبس یا جزای نقدی به شرح ماده (۶) خواهد بود.

البته شایسته بود که قانون گذار این تکلیف را به مراکز و مؤسساتی که وظیفه نظارتی در جهت حمایت از حقوق کودکان دارند نیز سرایت می داد، نه صرفاً مؤسساتی و مراکزی که مسئول نگهداری و سرپرستی کودکان می باشند.

ماده (۷): "اقدامات تربیتی در چارچوب ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ از شمول این قانون مستثناست."

منظور از اقدامات تربیتی در این ماده، تنبیه بدنی یا روانی متعارف والدین و سرپرستان قانونی در جهت تربیت کودکان است. بر اساس ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی: "اعمال زیر جرم محسوب نمی شود: ۱- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن ها انجام شود؛ مشروط به این که اقدامات مذکور در حد متعارف، تأدیب و محافظت باشد..." و بر اساس ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی: "ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل را خارج از حدود متعارف تأدیب تنبیه نمایند."

یکی از مشکلات اساسی مبارزه با کودک آزاری، همین ابهام قانونی مربوط به مفهوم "حدود متعارف تنبیه و تأدیب" است.

این که کدام تنبیه متعارف و کدام نامتعارف است و مضاف بر آن اشتباه والدین و اولیای قانونی در فهم و تشخیص معنای "حدود متعارف" چه از نقطه نظر پیشگیری از این جرم و چه از حیث پیگیری قضایی و مجازات مجرمان، معضلات عدیده ای را می تواند ایجاد نماید.

ممکن است یقین و اعتقاد واقعی والدین

در اجرای یک تنبیه بدنی، بر این باشد که چنین تنبیهی عین متعارف و جزء حقوق اولیه والدین در نگهداری اطفال خویش است؛ به همان گونه که والدین آن ها نیز چنین روندی را در تربیت ایشان اتخاذ کرده اند. این امر از یک سو، مجازات این افراد را با اشکال مواجه می نماید؛ زیرا مجازات فردی که یقین بر صحت عمل خویش دارد و عرف جامعه هم به این یقین دامن می زند، چندان موافق اصول مجازات نیست. از سوی دیگر از نقطه نظر پیشگیری عمومی، تغییر این طرز تفکر و آموزش تنبیه و تأدیب مناسب و درست (غیر مجرمانه)، بسیار مشکل و حتی بعضاً ناممکن است.

ماده (۸): "اگر جرایم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگینتری برای آن ها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد"

ممکن است جرایم مورد پیش بینی در این قانون در قوانین جزایی دیگر به عنوان جرم، مورد پیش بینی قرار گرفته باشد که در این صورت دو حالت قابل تصور است؛ در حالت اول ممکن است که یکی از جرایم موضوع این ماده مشمول مجازات حدی<sup>(۸)</sup> باشد که طبق قانون باید همان مجازات حدی بر مرتکب کودک آزاری بار شود؛ برای مثال برقراری رابطه جنسی منتج به صدمه جسمی و یا روانی در کودک که از مصادیق کودک آزاری جسمی یا روانی و مصداق جرم ماده (۴) قانون حمایت است، در عین حال به عنوان جرم حدی زنا<sup>(۹)</sup> قابل مجازات است. در چنین حالتی فقط مجازات حد زنا بر مرتکب بار می شود.

این حکم ماده (۸) قانون حمایت و تجویز یک مجازات حدی برای مرتکب، با روال قانون گذار در سایر قوانین همخوانی ندارد؛ زیرا در قوانین جزایی دیگر در صورتی که عمل مرتکب مشمول جرم حدی باشد، حکم قانون گذار بر جمع

مجازات است نه اعمال یک مجازات؛ برای مثال در ماده (۶۳۹) قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده: "افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند در مورد بند (الف) علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند. ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می گردد."

در حالت دوم ممکن است کودک آزاری در قوانین دیگر مشمول عنوان مجرمانه دیگر و مجازات سنگین تر باشد؛ برای مثال ممکن است کودک آزاری جسمی منتهی به فوت کودک شود که در این صورت و با تحقق شرایط قانونی، عمل کودک آزاری، تبدیل به جرم قتل عمدی و مستوجب مجازات قصاص<sup>(۱۰)</sup> خواهد بود.

ماده (۹): "از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی الاثر می گردد. قانون فوق مشتمل بر نه ماده در جلسه علنی روز

**■ بر خلاف اشخاص عادی که مکلف به گزارش موارد کودک آزاری نیستند، کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نفعی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را به عهده دارند (مانند بهزیستی)، مکلفند در صورت رویت کودک آزاری، آن را جهت پیگرد قانونی به مراجع قضایی صالحه اعلام نمایند. مودداری از این امر، موجب مجازات حبس یا جزای نقدی به شرح ماده (۶) خواهد بود.**

**البته شایسته بود که قانون گذار این تکلیف را به مراکز و مؤسساتی که وظیفه نظارتی در جهت حمایت از حقوق کودکان دارند نیز سزایت می داد ■**

دوشنبه مورخ بیست و پنجم آذر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۱/۱۰/۱۳۸۱ به تصویب شورای نگهبان رسیده است."

**مبحث سوم: جایگاه فقهی کودک آزاری**  
( پاسخ برخی از مراجع عظام تقلید در رابطه با کودک آزاری )

**پرسش:**

۱- کودک آزاری در سرپرستی، چه سزای جزایی دارد می شود؟

۲- حد شرعی تنبیه حبس است و پس از آن حد حکمی دارد؟

۳- آیا می توان کودک را از سرپرستی مادر و مادر کودک آزار که در مراجع قضایی به است رسیده است خارج کرد؟

۴- حکم شرعی و حدی کودک آزاری چیست؟

**پاسخ آیت الله العظمی سیستانی:**

**پاسخ ۱ -** این یک اصطلاح شرعی نیست.  
**پاسخ ۲ -** تنبیه بدنی جایز نیست مگر این که تأدیبی که لازم است متوقف بر آن باشد و در این صورت پدر یا کسی که از سوی او مجاز است می تواند به نحوی که موجب سرخ یا کبود شدن نباشد کودک را بزند ولی به احتیاط واجب نباید از سه ضربه سبک تجاوز کند و به هر حال اگر موجب سرخی یا کبودی شد، دیه دارد؛ حتی اگر از سوی پدر باشد و به احتیاط واجب زدن به هر نحو باشد پس از بلوغ جایز نیست.

**پاسخ ۳ -** اگر حاکم شرع تشخیص دهد که پدر و مادر از نظر حفظ سلامتی کودک مورد اطمینان نیستند می توانند آن ها را از حق حضانت و سرپرستی کودک محروم کند.

**پاسخ ۴ -** اگر آزار آن ها مستلزم دیه باشد باید بپردازند بلکه در مواردی قصاص نیز در مورد مادر اجرامی شود.

**پاسخ آیت الله العظمی مکارم شیرازی:**



کودک آزاری در شرع اسلام جایز نیست و هرگاه پدر یا مادری مرتکب چنین کاری شوند حاکم شرع می تواند آن ها را تعزیر کند و اگر کاری باشد که منتهی به فوت یا نقص عضو یا جراحتی گردد، دیه دارد ولی تنبیه های جزئی و مختصر که هیچ گونه اثری روی بدن نگذارد آن هم در صورت ضرورت، مانعی ندارد و چه بهتر که از آن هم صرف نظر شود و از طریق تشویق و محبت اقدام به تربیت شود.

### پاسخ آیت الله العظمی صانعی:

**پاسخ ۱-** تشخیص نسبت به محاکم با قانون است و نسبت به خود افراد بین خود و خدا موارد آن معلوم و روشن است؛ گر چه دارای موارد مختلفه است و همه آن ها حرام است؛ چون آزار به انسان ها بدون تفاوت در آزار دهنده و آزار شونده و مراتب آن به حکم عقل و شرع حرام است.

**پاسخ ۲-** در راستای ادب و تربیت کودکان توسط والدین تنها اذن، حداکثر پنجم ضربه و یا شش ضربه نه زیاد تر آن هم با انحصار راه تربیت به آن و در مسیر جلوگیری از فساد اخلاقی و ارتکاب کارهای ناشایست و به شرط این که ضربه به طور سخت و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست نباشد، اجازه داده شده و نا گفته نماند با آن که امروز تربیت اولاد و رشد استعداد های آنان خود دارای رشته بسیار با اهمیت و دارای علما و متخصصین می باشد، نیاز به تنبیه بدنی - که معمولاً مانع از تربیت و رشد استعدادهاست - بسیار نادر بوده و هست و بر همه قدرت های تبلیغی و فرهنگی است که راه های احسن تربیت و ادب و فرهنگ را تبلیغ نموده، تا طبعاً پدران و مادران مهربان و همه مر بیان از آن استفاده و راه کودک آزاری مسدود گردد و باید همگان را به سیره رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جلوگیری از تربیت و ادب هنگام غضب و خشم متوجه ساخته، تا ادب و تربیت همراه با عاطفه و حاکمیت عقل و علم و خرد انجام گیرد؛ چرا که حالت خشم و غضب در هنگام ادب و تربیت همه جهات عقلانی و علمی و انسانی تربیت را مستور نموده و پرده و حجاب سخت و آهنینی بر روی همه آن ها قرار می دهد

که نعوذ بالله منه.

**پاسخ ۳-** به عنوان دفع منکر و آزار و اذیت نه تنها جایز است بلکه واجب می باشد لکن به هر حال باید و به هر نحو ممکن آن ها را وادار به عمل تکلیف واجب حضانت و تربیت نمود تا هم به تکلیف و وظیفه واجب خود عمل نمایند و هم بار و زحمت فرزند داری که آن ها سبب آن بوده اند به عهده دیگران نیفتد.

**پاسخ ۴-** از پاسخ سوال ۱ روشن می شود.

### پاسخ آیت الله العظمی موسوی اردبیلی:

**پاسخ ۱-** کودک آزاری در فقه ذکر نشده ولی پدر و مادر حقوق نوزاد را باید رعایت کنند و غیر از مخارج و نفقه، خواندن و نوشتن و شنا یاد بدهند.

**پاسخ ۲-** حد شرعی تنبیه اولاد، آن اندازه ای که موجب دیه نباشد، اشکال ندارد؛ آن هم در صورتی که اولاد بدون آن تنبیه، تربیت نشود و بیش از آن اندازه موجب دیه بر پدر و مادر می شود و موارد مختلف است، ممکن است در بعضی از آن ها قصاص باشد.

**پاسخ ۳-** اگر پدر و مادر با تشخیص حاکم شرعی از صلاحیت سرپرستی و تربیت اولاد افتادند، جد پدری و بعد از او وصی پدری و بعد از آن اقوام و فامیل های اولاد به حساب مراتب ارث، سرپرستی و تربیت اولاد را به عهده بگیرند و سرپرستی نمایند.

**پاسخ ۴-** حکم شرعی والدینی که بچه را بیشتر از حد شرعی تنبیه مذکور در فوق، اذیت می کنند قهراً مراتبش مختلف است؛ در بعضی از موارد موجب دیه و در بعضی از موارد موجب قصاص می شود.

### نتیجه گیری

مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان و پدیده کودک آزاری، انواع، دلایل و نقد و بررسی قانونی و فقهی آن بیان گردید. عنوان شد که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان علی رغم جایگاه روشن فقهی قضیه، از حیث عدم اشتغال بر همه مصادیق کودک آزاری و پیش بینی مجازات خفیف دارای اشکال اساسی در برخورد با جرم کودک آزاری است. اما آن چه که جای بحث و

تأمل اساسی دارد، تعدد علل کودک آزاری در جامعه می باشد. شناخت این دلایل از حیث پیشگیری از این معضل واجد اهمیت اساسی است. در مجموع راهکارهای زیر می تواند به نحو مؤثری از بروز این واقعه پیشگیری کند.

بر این اساس ثبت موارد کودک آزاری در خانواده ها به صورت منظم و در دوره های زمانی از سوی سازمان ها و نهادهای تخصصی با عملکرد مرتب، برگزاری نشست های علمی و خانوادگی برای بررسی و تحلیل کودک آزاری والدین و شرارت فرزندان، ایجاد دوره های آموزشی برای سازمان های مرتبط و درگیر با مباحث و بسترهای کودک آزاری، طراحی و برگزاری واحدهای درسی آشناسازی کودکان و نوجوانان دانش آموز در تمام مقاطع تحصیلی برای آگاهی از مصادیق کودک آزاری و راهکارهای دفاع از خود و گزارش آن ها به سازمان های مسئول، تعریف و بیان حقوقی و قضایی روابط کودک با والدین برای زوج های جوان قبل از تشکیل خانواده، فعال سازی واحدهای خاص برای پیوند بین نهادهای کیفری - قضایی و خانواده، استفاده از صدا و سیما به عنوان یک رسانه گروهی در جهت تنویر اذهان عمومی در خصوص حقوق کودک و رعایت آن، فضا سازی فرهنگی - تربیتی و گسترش اخلاق اسلامی و آموزش مهارت های زندگی به والدین برای آموختن نحوه ارتباط با کودکان و... از روش های مناسب در جهت پیشگیری از معضل کودک آزاری به حساب می آید.

حاجت

### منابع و ماخذ:

- ۱- ابراهیمی قوام، صغری، اثرات سوء استفاده و بدرفتاری بر تحمل اجتماعی و روانشناختی کودک، مجمع علمی جایگاه تربیت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴
- ۲- افسری، معصومه و علی بهرام نژاد، تأثیر عوامل خانوادگی در بزهکاری نوجوانان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۱۷، ۱۳۷۵.
- ۳- مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، نشر آگاه، جلد پنجم، خرداد ۱۳۸۱



- ۴- برات وند، محمود، استرس و عوامل مرتبط با آن، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۱۴، ۱۳۸۳ و رواندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ششم، چاپ دوم، نشر نگاه، تهران، ۱۳۶۹.
- ۵- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه صبوری، منوچهر، چاپ دوازدهم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۶- مدنی، سعید، کودک آزاری در ایران، نشر اکنون، تهران، ۱۳۸۳.
- ۷- سایت ایسنا، مورخ ۸۴/۶/۱۴.
- ۸- خبرگزاری فارس، دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۶.
- ۹- کنوانسیون جهانی حقوق کودک ۱۹۸۹.
- ۱۰- قانون مجازات اسلامی.
- ۱۱- قانون مدنی.
- ۱۲- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸.
- ۱۳- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱.
- ۱۴- اعلامیه حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴.
- ۱۵- اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۵۹.

۱- این کنوانسیون دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده است که ۴۱ ماده آن اختصاص به حقوق کودکان دارد و ۱۳ ماده آن درباره چگونگی اجرای آن در کشورهای عضو می باشد. این پیمان به طور کلی چهار زمینه اصلی در رابطه با حقوق کودکان را مورد توجه قرار می دهد که عبارتند از رشد، بقا، حمایت و مشارکت.

۲- ایران اسفند ماه ۱۳۷۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته. براساس ماده (۳) پیمان نامه جهانی حقوق کودک منافع عالی به کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و والدین مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این ماده، دولت ها نیز موظف شده اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایت ها و مراقبت های لازم را از آنان به عمل آورند.

بر اساس ماده (۱۹) این پیمان نامه کشورهای عضو برای حمایت از کودکان در برابر خشونت های جسمی و روانی هرگونه آزار، بی توجهی و سهل انگاری باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند. دولت های امضا کننده پیمان نامه جهانی حقوق کودک موظف شده اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در

برابر استفاده غیر مجاز از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق این مواد را انجام دهند. از سوی دیگر ماده (۳۷) این پیمان نامه به صراحت می گوید: «هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت غیرقانونی قرار گیرد و مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلافکاری های کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است.»

۳- به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کودکان خود را یاری کنید؛ کار آسانی که می تواند انجام دهد به او بدهید؛ کودکان خود را دوست بدارید؛ هر که فرزندش را بیوسد خدا برای او حسنه محسوب می کند و هر که فرزند خدا را شاد کند خدا در قیامت او را شاد می کند.»

۴- برای مثال ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی مقرر داشته است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل را خارج از حدود متعارف تادیب، تنبیه نمایند.» یا ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین را که به منظور تادیب یا حفاظت کودکان انجام می شود به شرط رعایت حدود متعارف تادیب و محافظت جرم نمی داند. فهم معنای حدود متعارف تادیب و تنبیه و عدم تعیین آن توسط قانون گذار و در نتیجه واگذاری آن به تشخیص عرف، موجبات سوء استفاده از قانون را برای برخی از والدین و سرپرستان قانونی اطفال فراهم نموده است.

۵- بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۹، چهل میلیون کودک زیر ۱۴ سال در سراسر جهان در معرض انواع کودک آزاری ها قرار گرفته اند. آمارهای مختلف حتی در کشورهای پیشرفته بیشتر تخمینی است و موارد واقعی همیشه بیشتر از آمارهای تخمینی است.

۶- نتایج یک همه پرسی از ۱۲۳ دختر در یکی از مدارس تهران نشان می دهد که ۲۰ نفر آن ها در طول زندگی خود حداقل یک بار مورد سوء استفاده جنسی واقع شده اند. (به نقل از فاطمه صالحی، خبرگزاری فارس، دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۶).

۷- ماده (۴) قانون آیین دادرسی کیفری بیان می دارد: «جرایم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته به شرح زیر تقسیم می شوند:

۱- جرایمی که تعقیب آن ها به عهده رئیس حوزه قضایی است؛ چه شکای خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد. رئیس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.

۲- جرایمی که با شکایت شکای تعقیب می شود

و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد. ۳- جرایمی که با شکایت شکای تعقیب می شود و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره - تفکیک و تعیین این که امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است، به موجب قانون می باشد."

۸- طبق ماده (۱۳) قانون مجازات اسلامی: «حد، به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.»

۹- ماده (۶۳) ق.م.ا: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد و طی به شبهه.»

ماده (۸۲) ق.م.ا: «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست. الف) زنا با محارم نسبی؛ ب) زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است؛ ج) زانی غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است؛ د) زانی به عنف و اگر اه که موجب قتل زانی اگر اه کننده است.»

ماده (۸۳) ق.م.ا: «حد زنا در موارد زیر رجم است: الف) زنی که موجب محسن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند به او جماع کند؛ ب) زنی که محسنه با مرد بالغ، زن محسنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره - زنی که محسنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.»

ماده (۸۸) ق.م.ا: «حد زنی که مردی که واجد شرایط احصان نباشند، صد تازیانه است.»

۱۰- ماده (۲۰۶) ق.م.ا: «قتل در موارد زیر قتل عمدی است: الف) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد؛ خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود؛ ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد؛ ج) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد."

۱۱- به نقل از سایت ایسنا، مورخ ۸۴/۶/۱۴.